

ایران

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفیعی
سرمدیر: جواد دلیری

آذان ظهر ۱۱/۴۸ | آذان مغرب ۱۷/۲۹ | نیمه شب شرعی ۲۳/۰۶ | آذان صبح فردا ۵/۰۱ | طلوع آفتاب فردا ۶/۲۶

امام علی علیه السلام: اَلْکِبْسُ ضِدُّهُ الْخَقُّ وَ عَذُوهُ الْبَاطِلُ.

انسان زیرک، دوستش حق است و دشمنش باطل.

سخن روز

تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۶۸، ح ۹۴۵

نگاره



پرتره سحر نور الهی

گل های خشخاش



در حاشیه برگزاری مجموعه نمایشگاه های «رویارویی ۲»

لطفاً ساده حرف بزن

بزرگی گفته بود که ساده نویسی، دشوارترین کار دنیاست و ما در این دنیای پراشوب، زبان مادری مان را از یاد برده ایم. کلمه ها، واژه ها، عبارت ها تبدیل شده اند به چیزهایی که نمی فهمیمشان. می نشینیم پای یک نشست و کلی اطلاعات می گیریم

از آدم ها، فیلسوف ها و بزرگانی که درکی عمیق اما غیرقابل فهم برای بسیاری از ما دارند، مایی که هنوز در الف و ب حرف زدن هایمان مانده ایم. یادمان رفته است چگونه باید حرف بزنیم، آنگاه شعر می گوئیم به زبانی ثقیل و نه صقیل. صقیل روان است و ثقیل، سنگین و غیرقابل فهم که گاهی دل دردمن می دهد به هر دو معنا واقعی و استعاری آن.

پای زبان و کیورتوری چند وقتی است که به داستان آفرینش های هنری ما باز شده است و من اینجا دارم درباره یک نمایشگاه عکس با نام رویارویی ۲ صحبت می کنم. رویارویی ۲، دغدغه شهر دار، دغدغه آدم ها و فضاها و اشیای آن را دارد. چیزهایی که در آن و با آن زیست می کنند. این روزها رویارویی ۲ برای دومین سال متوالی در هفته بر دیوار سپید گالری ای جی برپا شده است. ۵ هنرمند و یک کیورتور که هر کدام تمام تلاششان را در این برهوت آفرینش های واقعی کرده اند تا اثری متفاوت خلق کنند. سیاوش حمیدی هفته اول از ۱۲ مهر کارهایش را روی دیوار برد با عنوان «حتی مادر هم بچه رحم اجاره ای اش را مالک نیست» کارهایش درگیر کارگرانی بود که با حداقل دستمزد در لوکس ترین مکان ها کار کرده اند و چه سهم اندکی

حرف روز



زینب مغربی
منتقد

از این همه برج سازی و ثروت اندوزی ها داشته اند. حمیدی، دره هایش را به زیباترین شکلی که می توانست آورد توی قاب هایش و دره هایی را نشان داد که آن ها را با وجودش تجربه کرده بود. نمایشگاه دوم کار نازفر فرقانی بود با عنوان «هر چند انتظار تو از پایان کسب رضایتمندی است» او هم در هیأت زنی راهش را باز کرده بود به مکانیکی ها و ماشین هایی که تصادف داغانشان کرده بود. کارش شسته رفته، تمیز و به قول خودش پرتره ای بود. تصویری از ماشین ها و لذتی که ما شاید از انهدام و ویرانی نصیبمان می شود. نمایشگاه سوم را لایلا کیوان به سرانجام رساند. عنوان نمایشگاه این بود «شیوه ای هست که بارت را به دوش بکشم» و در آن تمنایی بود برای توهم شادی از رنج های کارگرانی که در خیابان ها با فرم های بدنی خاصی کار می کردند و او آن ها را در حال رقص تصور می کرد و رنج زیستن این قشر را آنچنان زیبا به تصویر کشیده بود که هر بیننده منتبصر و غیرمنتبصری را میخکوب می کرد. اغراق نیست اگر بگویم تمام سلول های وجودم از دیدن چنین تناقضی در سطح شهر دچار ارتعاش شد. آنقدر ظریف و زیبا به سرآغ این موضوع رفته بود و آن قدر ساده که قلبت را تکان می داد. در کنار همه این نمایشگاه ها اما ابعاد دیگری هم حضور داشتند، چیزهایی مثل قراردادهای کارگران، حضور فیزیکی یک ماشین صدمه دیده در تک اتاق مجزای ای جی و در نمایشگاه آخر، تعاملی بین بازدیدکنندگان و گردانندگان نمایشگاه با چند شیء و واژه G و a که خشمی پنهان از دیوارهای سپید را در خود بازگو می کرد. هنوز دو نمایشگاه دیگر از این مجموعه باقی است که شک ندارم آن ها هم به همین اندازه خوب خواهند بود اما مسأله فقط همین نیست.

صحبت های جنجالی بهروز افخمی در یک برنامه تلویزیونی

از حمله به داریوش ارجمند تا نوید محمدزاده

بهروز افخمی صبح روز چهارشنبه ۸ آبان ماه که در برنامه «سلام صبح بخیر» حاضر شده بود هم

به انتقادات چند روز پیش داریوش ارجمند درباره حواشی سریال «میرزا کوچک خان جنگلی» در این برنامه جواب داد و هم درباره بهروز وثوقی و محمدعلی فردین و نوید محمدزاده صحبت کرد.

او در واکنش به صحبت های ارجمند در خصوص جدایی ناصر تقوایی و جایگزینی افخمی در ابتدا گفت که «بگذارد افسانه ای که ناصر تقوایی درباره کوچک جنگلی تعریف می کند، در تاریخ بماند» اما در ادامه با اصرار مجری برنامه چاشنی انتقادش را بیشتر کرد و درباره جایگزین شدن علیرضا مجلل به جای داریوش ارجمند گفت «داریوش ارجمند ضعیف کش است و به محض اینکه در موقعیت غیر قابل جانشین قرار بگیرد و بفهمد نمی شود عوضش کرد کارهایی می کند که من تحملش را ندارم. بازیگران دیگر را تحقیر و اذیت می کند و اخلاق خوشی ندارد. چیزهایی که درباره او شنیده ام و آن موقع هم شنیده ام باعث شد نتوانم اعتماد کنم که به او نقش اول را بدهم. او خیلی هم اصرار داشت و نگران بود که سال ها درباره این نقش کار کرده و از او انتظار دارند و در مشهد با این ریش و موی

علی ربیعی: وضعیت «خانه پدری» را

وزارت ارشاد مشخص کند

بهترین راه این است که قصاصت و تصمیم گیری در

مورد فیلم ها را به نهاد تخصصی خودش یعنی

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و انکار کنیم.

کیانوش عیاری کارگردان برجسته ای است

که این مسائل اجتماعی را بیشتر کار می کند.

برش زدن به این مسائل و پرداختن به

آسیب های اجتماعی برای حل آن است.

بخشی از حرف های سخنگوی دولت

در حاشیه جلسه هیات دولت

میترا حجاز: بازیگر نباید

خودش را ببیند

کارگردانی یعنی اینکه شما بداندینخ هارا چه

زمانی بکشید ولی عمل اصلی راعروسک ها

دارند انجام می دهند. در بازیگری بدترین

کار این است که بازیگر به جلوی آینه

برود چون شما باید حواستان به درون

خودتان باشد. به نظر من آن موقع

است که آدم موفق می شود.

بخشی از گفت وگوی این

بازیگر با هنر اتلایان



هادی حسینی تهیه کننده آلبوم «بی نام» محسن چاوشی در گفت وگو با «ایران»:

تاریخ دقیق انتشار هنوز مشخص نیست

توجه قرار می گیرد. به همین دلیل برنامه ای برای تبلیغات شهری آلبوم «بی نام» نداریم.»

تهیه کننده آثار محسن چاوشی تصاویر منتشر شده از آلبوم «بی نام» در فضای مجازی را هم غیررسمی دانست و گفت: «کارهایی که از این آلبوم در فضای مجازی منتشر شده مورد تأیید ما نیست و کارر رسمی هنوز منتشر نشده است. تنها ماکت دو قطعه از آلبوم با نام های «باز آدمم» و «ای قوم به حج رفته» پیش از این در صفحه شخصی اینستاگرام خود محسن منتشر شده بود که آنها نیز در نسخه نهایی آلبوم تغییراتی داشته اند.» این بار حاشیه ها و بحث مجوزی نام آلبوم و شعرهایی از مولانا را گرفت که دست آخر با تغییر نام آلبوم، همه چیز حل و فصل شد. آلبوم ابتدا قرار بود با نام «قمارباز» منتشر شود که برگرفته از این بیت مولاناست: «خُک بود با نام «قمارباز» منتشر شود که برگرفته از این بیت مولاناست: «خُک آن قماربازی که بی باخت آنچه بودش/ بنماند هیچش الا هوس قمار دیگر» هادی حسینی بیشتر درباره این تغییر نام گفته بود: «یکی از ایرادهای اصلی که در شورای موسیقی گرفته شد، اسم آلبوم بود. شعری که گیر دادند همان شعر ترک اصلی آلبوم است و اسم آلبوم هم از آن درآمد. بیتی هم که محل ایراد شده یکی از بیت های اصلی شعر است که اگر حذف شود کل شعر باید حذف شود و آلبوم در کل ماهیت خودش را از دست خواهد داد.» اما در نهایت حسینی ۲۵مهرماه در گفت وگو با «باشگاه خبرنگاران» خبر از رفع مشکلات پیش آمده داد و گفت: «مواردی جزئی برای اصلاحات مطرح شده که باید مرتفع شود تا مجوز شورای موسیقی هم صادر شود. اصلاحات تکنیکال و بسیار جزئی است و بزودی با رفع این موارد، مجوز شورای موسیقی هم صادر می شود. مجوز آلبوم به اسم «بی نام» صادر شده و قطعه قمارباز بدون تغییر و سانسور منتشر خواهد شد.»



سمپوزیوم بین المللی مجسمه تهران در آستانه برگزاری ست

به حداقل ها اکتفا نکنیم

نهمین سمپوزیوم بین المللی مجسمه تهران قرار است از ۱۱ آبان ماه تا ۴ آذر ماه در منطقه گردشگری عباس آباد با حضور هنرمندان ایرانی و خارجی برگزار شود. همچنین ۵ آذر ماه هم در مراسم پایانی این رویداد آسامی برگزارکن اعلام واز آنان تقدیر می شود.

سمپوزیوم مجسمه در ایران جایگاهش با سمپوزیوم های خارجی بسیار متفاوت است. این اتفاق در کشور ما خیلی روال و معمول نیست. در ایران بهترین سمپوزیوم مجسمه همین است که می خواهد ۱۱ آبان ماه در تهران برگزار شود. در شهرهای دیگر شاید به تعداد انگشتان دست هم نباشد. سمپوزیوم تهران اما در ایران آنقدر شناخته شده هست که هنرمندان مجسمه ساز هر ساله منتظر فراخوان این اتفاق هنری هستند. اما در مقایسه با سمپوزیوم های خارجی واقعاً ایران قابل قیاس نیست. چرا که قدمت سمپوزیوم های خارجی خیلی بیشتر است و سیاست گذاری هایی که برای برگزاری آنها می شود بسیار با ایران متفاوت است. البته با اینکه در ایران برای نهمین بار این رویداد هنری برگزار می شود کشور ما موفق عمل کرده است. همین که هر ساله دوستاران آن انتشارش را می کنند یعنی نشانه خوبی است.

آنچه سمپوزیوم های خارجی را با متفاوت کرده است، مبلغ جایزه است. مثلاً در کشور چین سمپوزیوم هایی برگزار می شود که هنرمند را از نظر مالی بخوبی تأمین می کند. آنقدر مبلغ جایزه بالاست که هنرمندان رقابت زیادی برای حضور در چنین سمپوزیوم هایی از خود نشان می دهند. کمترین رقم جایزه آن ۶۰ هزار یوان معادل ۱۰۰ میلیون تومان ایران است. اما در ایران ما با این شکل از سمپوزیوم که رقابت در آن بسیار باشد مواجه نیستیم. نهایت رقم جایزه در ایران ۲۰ میلیون تومان است.

با اینکه رقم جایزه در ایران کم است اما از کشورهای دیگر هم در این سمپوزیوم شرکت می کنند. چرا که امکان معاشرت با هنرمندان دیگر برایشان مهیا است. از طرفی برایشان یک جاذبه توریستی، تفریحی هم دارد. من بیشتر کارم را دوست دارم انجام دهم صرف نظر از مبلغ جایزه کارم برایم از اهمیت بالایی برخوردار است.



هدایت مصرایی
مجسمه ساز

البته سمپوزیوم ها با هم متفاوتند. بعضی سمپوزیوم های خارجی مبلغ ورودی به هنرمند نمی دهند در عوض سیاستشان بر این است که کار هنرمند را با مبلغ بالایی بفروشند و تا ۷۰ درصد سود حاصل از فروش اثر را به هنرمند می دهند.

در سمپوزیوم تهران که ۵ هنرمند از ایران هستیم ۱۰ نفر هم از کشورهای دیگر قرار است به اتفاق سنگ هایی که از پیش تعیین شده اند و اندازه آن را هم به ما گفته اند در مدت ۲۰ روز در سمپوزیوم بسازیم. کاری فی البداهه که از صفر تا صد آن در این سمپوزیوم انجام می شود و مردم می توانند از نزدیک شاهد کار دست هنرمندان باشند. کاری که از قبل ماکتس را طراحی و برای سمپوزیوم فرستادیم و انتخاب شدیم. در انتها قرار است که مجسمه ها در یک باغ مجسمه که از قبل طراحی شده است در کنار هم قرار بگیرند. چرا که اینها در کنار هم تکمیل کننده هم هستند.



عکس نوشت

لینا ورت مولر، کارگردان سرشناس ایتالیایی، در ۹۱ سالگی ستاره شماره ۲۶۹۷ را در پیاده رو مشاهیر هالیوود گرفت. این مراسم یک روز پس از اینکه ورت مولر جایزه اسکار افتخاری امسال را در مراسمی رسمی برای یک عمر دستاورد هنری دریافت کرد برگزار شد. او اولین زن کارگردانی است که نامزدی اسکار را کسب کرد و یک صندلی افتخاری «کبری در مؤسسه جهان» را هم از سال ۱۹۹۵ در اختیار دارد. ورت مولر سال ۱۹۶۲ به عنوان دستیار فدریکو فلینی برای فیلم «هشت و نیم» استخدام شد و بعدها خودش شروع به کارگردانی کرد. او نخستین زن کارگردانی بود که فیلم هایش یعنی «آواگرای میمی» و «عشق و آشوب» در جشنواره فیلم کن به نمایش در آمد.



آن خدا خوو کرده

شناسنامه شنیداری بختیاری بود که سنگ به سنگ، حال و احوال مردمان زاگرس را به آوا و آواز درمی نوشت. خنیاگری شاعر که اندوه و شادمانی ایل را کلمه کلمه زیسته بود و در گرمسیری صدایش، هیچ دلی با تکلیف باقی نمی ماند. اگرچه آبان به آبان، غیبت «بهمن علالدین» یاد آوری می شود اما بختیاری، گرم از گفت وگویی او با کوه و چشمه و کوچ است که هیچ چیز نمی تواند دره های عمیق دل تنگی را جز سنگریزه های صدای نجیب او برگند. روزگار ما نه روزگاری است که چادرت را بهار به بهار و پاییز به پاییز برچینی و به راه یفتی و نه گوشه دنجی چنان باقی مانده است که به سایه اش پناه ببری. انسان سرگشته ای که در خویش خلاصه شده است و جز در تنهایی و به تنهایی، بیلاق و فلاق ندارد، حتما مقفون ایللیاتی خوانی خواهد شد که از «تنگ» روزگاری نمی دالو و به حسرت از زمانه ای یاد می کند که سر به سایه یکدیگر داشتیم و چشم و گوش هم بودیم.

حجره بهم، نه دست بر قضا که به رنج و مشقت سرنا و کرنا ی بختیاری شده است و آن «خدا خو کرده» با گردگیری از میراث موسیقایی ایل بختیاری و احیای خردمندانه اوها و آوازهایی که تداعی خاطره جمعی را به دوش داشتند و به نعمت دانش ادبی خویش و اشراف قاطع او بر توانش گویش بختیاری و به گر زینی واژگانی، اتفاق آفرین شد. روایات آوازی متمایز علالدین از کهن آوازهای «برزنگری»، «صدادی» و «گاگریو» چنان با جام و جان مخاطب ممزوج می شود که این دست کار نه فقط موجب لذت شنیداری که احیا و باقی فرهنگ مردمان کوچ نشین بختیاری را رقم می زند. بهمین علالدین درست در روزگاری در شناسنامه بختیاری ثبت می شود که به قول دیگر نام و نشان هم قبیله اش اردشیر بختیاری: «بختیاری در بی هویت ترین شرایط اجتماعی خویش به سری می برد و هیچ الگویی نداشت. حماسه ها به حوضی خاک افتاده بودند و سیاستمداران ناشی، قربانی صداقت لری شان شده بودند و بختیاری در محاق کامل بود و ناگاه ستاره ای سر بر آورد و با تالو در خشان صدایش نوری از امید زندگی را در دل ها نوید بخشید و چندی در این ظلام درخشید و جست و رفت.»

این سزاواری هر چند دیر و هر چند به تأخیر دیگر خواسته، با انتشار آلبوم «مال کنو» که از کیمیا هنر زری یاد «عطاء جنگوک» جان دوچندانی گرفته بود، اتفاق افتاد. مال کنون قصه غصه همه بختیاری هایی است که خانه هایشان را در کوچ پشت سر می گذارند و غم هایشان جز به ساز و آواز بختیاری ترجمه نمی شود. رافره یختنگی و سیر فرزانگی بهمین علالدین همین هم جهان شدن با مردمانی است که هر کدام به امید، مال کنون کرده اند و خانه و خانواده و خاطره و سنگ مزاری پشت سر گذاشته اند و به گلابه از کوهساران فاصله، از یکدیگر دریغ شده اند.

آن «تشنی طلا» اگر چه سالیانی است که سکوت کرده است اما آبان به آبان، «گردواری» اوست و مجال مبارکی که به بختیاری که همه مردمان ایران زمین، به ساز و سخن، میهمان «کوک تارازی» باشند که برای هیچ کس «تیه به ره مندن» را آرزو نکرد و به «تهایی» و «به خین دل» نغمه خوان دردها و درودهای روزگار خویش شد. بماناد نام و نشان...

۱- فریب و نیرنگ ۲- هر سه از آوازهای جمعی بختیاری است. ۲- کوچ ۳- حجره طلا ۴- همایش ۵- چشم انتظار ۶- تنهایی ۹۸۸۸

عنوان مطلب به معنای کسی است که به خواست خدا عزیز شده است.

شهروند مجازی

یگانه خدایی

هشتک #تولد رند

۹۸/۸/۸. این تاریخ خاص امروز بهانه تولد نوزادان زیادی شد و به گفته کسانی که در بیمارستان ها کار می کنند پدر و مادرهایی از چند روز قبل مشخص کردند که امروز فرزندان به دنیا بیاید حتی اگر این تاریخ زودتر از زمان مقرر تولد بود. تاریخ تولد رند پیش از این و در سال های قبل هم اتفاق افتاده بود و خیلی ها هم منتقدش بودند. در رسانه ها هم گزارش هایی درباره این مسأله تهیه شده بود اما با وجود همه انتقادات این اتفاق امسال هم افتاد. در اینستاگرام استوری هاویست های زیادی از این تولدها می دیدیم حتی بعضی متخصصان زنان و زایمان عکس هایی از نوزادان متولد شده در این روز به اشتراک می گذاشتند. این حال و هواد در توئیتر شدت با انتقاد رویه و شد و بسیاری از کاربران توئیتری با هشتک تولد رند درباره این می نوشتند که این کار به قیمت جان نوزاد تمام می شود و تأثیری در زندگی و آینده او ندارد: «خدا رو شکر دیگه کار نمی کنم! امروز همه شکم خودشون میدرن و کلی نوزادشون روناقص می کنند که تولدش امروز راز و قاز رهای جدیدی شده که حتی واسه جاهلان بزرگ تاریخ هم قفل بوده تا الان»، «ای کاش به تحقیق دانشگاهی انجام می شد و سرانجام اشخاص تاریخ تولد رند را با عدد و ارقام از نظر موقفیت، تأثیر تاریخ تولد در زندگی و... به همگان آشکار می کرد.»

یاد



ارمغان بهداروند
نویسنده